

راهبردهای توسعه سرمایه انسانی در نظام آموزش عالی

مهدی خیر اندیش^۱، حسن دولتی^۲، سپیده قمی^۳

چکیده

غلبه بر پیچیدگی‌های روزافزون محیطی مستلزم خلق راهبردهای نوین در نظام آموزش عالی جهت توسعه سرمایه انسانی است. بر این اساس هدف از انجام این پژوهش، تبیین راهبردهای توسعه سرمایه انسانی در نظام آموزش عالی بود. این پژوهش به روش آمیخته انجام شد که در بخش کیفی ۱۰ نفر از اعضای هیئت علمی آموزشی دانشگاه‌های استان مازندران در خرداد سال ۱۳۹۵ به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. و ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و انفرادی استفاده شد. در گام بعد برای تایید کمی یافته‌ها، راهبردها در قالب پرسشنامه‌ای بین ۳۸۴ نفر از اساتید هیات علمی سراسر کشور به صورت نمونه‌گیری در دسترس و الکترونیکی توزیع، گردآوری و تحلیل گردید. بر اساس تحلیل متن مصاحبه‌ها مجموعه‌ای از مضامین اولیه مشتمل بر راهبردهای آموزشی، پژوهشی و گفتمان‌سازی طی فرایند تلفیق موردها به‌عنوان راهبردهای توسعه سرمایه انسانی در نظام آموزش عالی استخراج شدند. همچنین، راهبردهای آموزشی، پژوهشی و گفتمان‌سازی به ترتیب بیشترین همبستگی را با متغیر راهبردهای توسعه سرمایه انسانی در آموزش عالی مربوطه دارند.

واژگان کلیدی: سرمایه انسانی، گفتمان‌سازی، راهبرد آموزشی، راهبرد پژوهشی.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۲/۰۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۰۶/۰۸

۱- دانشیار مدیریت آموزشی، عضو هیئت علمی دانشگاه هوایی شهید ستاری
۲- استادیار مدیریت آموزشی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم دریایی امام خمینی(ره) نوشهر (نویسنده مسئول: drdolati_uek@yahoo.com)
۳- دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی

مقدمه

امروزه، در حالی موضوع بحران اقتصادی و چگونگی مقابله با آن دغدغه اصلی صاحبان شرکت‌ها و تولیدکنندگان کالا و خدمات است که عمده بحث‌های دانشگاهی به صورتی گذرا و مقطعی به این موضوع می‌پردازند (میرعمادی، ۱۳۹۰). این در حالی است که سرمایه انسانی به‌عنوان محصول نظام آموزش عالی، عاملی تعیین‌کننده در کمیت و کیفیت رشد اقتصادی محسوب می‌شود؛ اینکه چگونه استعداد‌های انسانی، از طریق آموزش تجهیز می‌شوند و اینکه چگونه به کار گرفته می‌شود؟ موضوعاتی مهم در آینده‌شناسی هر کشوری محسوب شده و نقش حائز اهمیتی در مدیریت بحران‌های اقتصادی دارد (نیلی، ۱۳۹۳).

با سرمایه‌گذاری بیشتر در نیروی انسانی و تربیت نیروی انسانی، زمینه افزایش عرضه نیروی کار متخصص و با تحصیلات عالی و همچنین افزایش محققین و کارآفرینان فراهم می‌گردد. قطعاً نیروی کار متخصص و آموزش‌دیده می‌تواند از طریق نوآوری‌ها و به‌کارگیری بهینه امکانات مادی و مالی کشور باعث رشد سریع‌تر جامعه شود (الماسی و همکاران، ۱۳۸۸). به اعتقاد بسیاری از اقتصاددانان یکی از بن‌مایه‌های مقابله با بحران‌های اقتصادی، از دل رفتارهای اقتصادی سرمایه انسانی بیرون می‌آید و برای اصلاح وضعیت اقتصادی باید ابتدا به دنبال تأثیر فرهنگ اقتصادی در سرمایه‌های انسانی بود (غلامی، ۱۳۹۱) و پیش‌نیاز ورود به چنین عرصه‌های نوین مدیریتی، توسعه دید دانش‌آموختگان، بهبود نقش و مهارت آنان و افزایش دانش عمومی آنان است (پرند و همکاران، ۱۳۹۱).

بدون تردید دانشگاه در هزاره سوم نقش‌آفرین اصلی تحولات خواهد بود و کانون اصلی تربیت نیروی انسانی متخصص و آموزش‌دیده است که با برخورداری از ایده‌ها و اندیشه‌های نو هر لحظه در جریان‌های حیاتی جامعه نیروی نوینی را تزریق می‌نماید (آقاجانی و همکاران، ۱۳۸۹). به‌عبارت‌دیگر، بهترین مکان برای پرداختن و تئوریزه کردن ایده‌ها، دانشگاه‌ها هستند؛ زیرا سازمان‌ها و نهادهای اجرایی توان، حوصله و فرصت پرورش و کاربردی کردن ایده‌ها را ندارند (غلامی، ۱۳۹۱). مراکز آموزش عالی می‌توانند سبب توسعه وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشورها شده و یکی از عوامل توسعه‌یافتگی کشورها باشند (ادریس و همکاران، ۲۰۱۲).

با توجه به ظرفیت‌های خدادادی و تاریخی اقتصاد ایران استعداد فراوانی برای دستیابی به رشدهای اقتصادی فراهم است. لیکن سؤال کلیدی آن است که چه عواملی مبین شکاف موجود بین ظرفیت‌های غنی اقتصاد ایران و عملکرد ضعیف آن است؟ به‌عبارت‌دیگر، چرا باوجود منابع غنی اقتصادی، کشور ایران به اشکال مختلف با بحران‌های اقتصادی مواجه است (نیلی، ۱۳۹۳).

بی‌شک پاسخ این پرسش‌ها را می‌توان در توسعه سرمایه انسانی جستجو کرد، امروزه سرمایه انسانی یکی از عوامل انکارناپذیر در جریان رشد و توسعه کشورها به‌حساب می‌آید (برقندان و همکاران، ۱۳۸۹) و یک نقش دوگانه در برنامه‌ریزی اقتصادی دارد: از طرفی به‌عنوان عامل توسعه و از طرف دیگر به‌عنوان هدف توسعه به شمار می‌رود (انتظاریان و طهماسبی، ۱۳۹۰). ضعف رشد سرمایه‌های انسانی به‌موازات رشد منابع فیزیکی یکی از دلایل اصلی پایین بودن ظرفیت جذب منابع سرمایه فیزیکی در کشورهای درحال توسعه است (تقوی و محمدی، ۱۳۸۵) تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی از دو ناحیه ارتقای توان تولید و بومی‌سازی فناوری‌های وارداتی قابل‌تصور است (برقندان و همکاران، ۱۳۸۹) اثرات آموزش عالی را در سه مقوله اثر کاری، اثر شناختی و اثر نوآوری بحث کرد. اثر کاری موجب می‌شود که نیروی انسانی بتواند با کمیت و کیفیت بیشتری وظایفش را انجام دهد. اثر شناختی، اتخاذ و انجام یک تصمیم است، اثر نوآوری نیز سومین اثری است که انتظار می‌رود از طریق آموزش عالی فراهم شود. نوآوران جهان امروز، غالباً پرورش یافته محیط‌های دانشگاهی هستند (خورشیدی، ۱۳۸۳).

در سال‌های اخیر در جوامع غربی و درحال توسعه، مؤسسات آموزش عالی با تغییرات زیادی مواجه بوده‌اند. با ظهور اقتصاددانشی، خط‌مشی‌های ناظر بر آموزش عالی، متحمل فشارهایی شده‌اند که سبب شده است به‌عنوان ابزاری برای

رقابت‌های اقتصادی در بازارهای جهانی ایفای نقش کنند. این بدان معناست که ارزشیابی و نگاه به آموزش و تحقیق دانشگاهی به‌طور فزاینده‌ای از زاویه اقتصادی امکان‌پذیر شده است. در تطابق با این تغییر خط‌مشی‌ها و تغییر زاویه نگاه به دانشگاه، الگوهای تأمین سرمایه و سبک‌های مدیریت دانشگاه‌ها با تحولات کثیری مواجه شده است (حسینقلی پور و همکاران، ۱۳۸۹؛ سیف، ۱۳۹۲) در بررسی مجموعه این سبک‌ها و خط‌مشی‌ها دو مسئله قابل‌بررسی است نخست آنکه آیا نظریه ارائه‌شده در تحقق عدالت توأم با پیشرفت و توسعه موفق است و دوم آنکه آیا می‌توان از فرضیه‌های این نظریه در عالم واقع بهره برد و به نتایج مطلوب رسید (بشارت و ارسلان بد، ۱۳۹۳). به بیان دیگر، امروزه نظام‌های اقتصادی کشورهای درحال توسعه عموماً همراه با دو نوع نظام مشتمل بر نظام سلطه و رودرروی نظام سلطه مواجه هستند؛ نظام‌های همراه با نظام سلطه اگرچه می‌توانند آرمان‌های ملی خود را داشته باشند، لیکن تقسیم‌کار جهانی را پذیرفته و با جریان کلی نظام سلطه هماهنگی لازم رادارند و از این‌جهت در الگوی وابستگی متقابل جهانی، در بهترین حالت (مانند کشور چین)، سعی در ارتقاء جایگاه خود در اقتصاد جهانی دارند و دارای الگوی اقتصاد وابسته تلقی می‌شوند. اما در شرایط یک نظام اقتصادی مستقل مانند آنچه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعریف شده است. تحقق آرمان‌ها، هدف اساسی اقتصاد است (سیف، ۱۳۹۲) و آن شرایطی است که جامعه اسلامی در زمینه اقتصادی مورد تهدید جدی از سوی دشمن قرار گرفته و لازم است در برابر دشمنی‌ها دفاع و مقاومت کند و در رویکردی دیگر، زمینه‌ساز پیشرفت جامعه و تحقق تمدن اسلامی نوین است (اله خواه، ۱۳۹۴).

بنابراین راهبردهای توسعه نظام آموزش عالی باید متناسب با دورنمای فلسفی، ایدئولوژیک، تاریخی و جغرافیایی کشور تعیین شود تا ناامنی را تبدیل به نگرانی و نگرانی را به شجاعت تبدیل نماید و بر اساس آن روش راهبری کنار آمدن و تسلیم را تبدیل به راهبری حمله کرده و همچنین تصمیم‌گیری به‌وسیله تعامل را به تصمیم‌گیری سریع بر اساس برنامه و اهداف کوتاه‌مدت تبدیل نماید (نجاتی گیلانی، ۱۳۹۱) بر همین اساس مسئله اساسی پژوهش حاضر این است که راهبردهای توسعه سرمایه‌های انسانی به‌عنوان محصول نظام آموزش عالی کدامند؟ در این مقاله نگارندگان درصدد هستند که با استفاده از پژوهشی کیفی و کمی، به طراحی راهبردهای نظام آموزش عالی برای توسعه سرمایه انسانی اقدام نمایند. انجام پژوهش با رویکردی آمیخته و در راستای ایجاد هم‌راستایی بین راهبردهای توسعه سرمایه انسانی در نظام آموزش عالی از نوآوری این پژوهش محسوب می‌شود.

در ارتباط با موضوع پژوهش تحقیقاتی انجام‌شده است که در ادامه به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود؛ ماریانا^۱ (۲۰۱۵) در یافته‌های خود در مقاله‌ای با عنوان آموزش تعیین‌کننده رشد اقتصادی نشان داد که مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی کشورها درگرو توجه به آموزش عالی است و رابطه معناداری بین آموزش عالی و رشد اقتصادی وجود دارد. آموزش و به‌ویژه آموزش عالی یکی از مهم‌ترین عوامل رشد اقتصادی بوده و از راه‌های مختلف رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آموزش، بهره‌وری نیروی کار را از طریق تجمیع دانش و مهارت، تسهیل پیشرفت فناوری و نوآوری، افزایش داده و رابطه عمیقی بین آموزش عالی و رشد اقتصادی در بلندمدت برقرار می‌نماید و این رابطه به‌صورت مستقیم و مثبت است.

دامسیوونس^۲ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای تحت عنوان تأثیر سیاست آموزشی در توسعه اقتصادی کشور نشان داد که رفاه اجتماعی و رشد آینده بستگی به تمرکز دانش در صنعت و خدمات است. بیشتر شغل‌ها نیز به کیفیت آموزش نیاز دارند. وی سرانجام با تحلیل سرمایه انسانی به‌عنوان یکی از عوامل تولید نشان داد که افراد از طریق دانش جمع‌آوری‌شده به افزایش تولید کمک می‌کنند. از دیدگاه وی، پژوهش، فناوری و کلیه عوامل افزایش‌دهنده تولید از دیگر موضوعات مهمی هستند که از آموزش عالی تأثیر می‌پذیرند و در پایان نتیجه گرفت که سیاست‌های آموزشی اروپا با رشد اقتصادی رابطه مثبت و مستقیم دارد.

1- Mariana

2- Dumciuviene

اولگا و بلیانسکی^۱ (۲۰۰۸) نیز در نتیجه تحقیقات خود در اروپا نشان داد که داشتن رویکرد بازاریابی راهبردی و اقتصادی در اجرای تحولات آموزش عالی، توسعه محتوی، ارائه خدمات آموزشی متنوع بر اساس رضایت‌مندی سهامداران دانشگاه‌ها و تسهیل توسعه مثبت اجتماعی می‌تواند مفید باشد.

باقری‌نژاد (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان سیستم نوآوری ملی و جایگاه و نقش جدید دانشگاه‌ها در اقتصاد مبتنی بر نوآوری، جایگاه و نقش دانشگاه‌ها را در عصر اقتصاد مبتنی بر نوآوری در سطوح کلان و خرد تحلیل نمود. در سطح کلان کارکرد اثرگذار و اثرپذیر دانشگاه‌ها در سیستم نوآوری ملی کشورها بیان شد و در سطح خرد، مأموریت جدید دانشگاه‌ها در چارچوب تولید و تجاری‌سازی دارایی‌های فکری و مشارکت فزاینده در فرایند نوآوری و توسعه فعالیت‌های فناورانه بومی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی با نگاهی بر زیرساخت‌های فناورانه لازم منعکس می‌گردد. در نهایت پیشنهادهایی جهت تسهیل روند توسعه نقش و کارکرد دانشگاه‌ها به منظور دستیابی به اهداف راهبردی و عملیاتی همسو با ارکان اقتصاد مبتنی بر نوآوری ارائه نمود.

شریف‌زاده (۱۳۹۰) در تحقیق خود نتیجه گرفت که محیط‌های دانشگاهی علمی باید با توجه به تغییرات آموزشی، علمی، پژوهشی، و فنی سریع و پی‌درپی، برای ادای رسالت خود و انطباق با تحولات فراگیر مذکور خود را بیش‌ازپیش تجهیز کنند تا از این رهگذر بتوانند تحقق برنامه‌های پیش‌بینی‌شده را تضمین کنند.

روش تحقیق

این تحقیق به روش آمیخته متوالی کمی و کیفی انجام شد. در رویکرد کیفی^۲ از روش تحلیل محتوا استفاده شد. هدف این روش تشریح تجربه‌های افراد به همان‌گونه‌ای است که آن را تجربه کرده‌اند (عابدی و همکاران، ۱۳۹۰). در این پژوهش از روش نمونه‌گیری نظری استفاده شده است. این بدان معناست که نمونه‌برداری، ارادی و نه تصادفی است و متمرکز بر تولید یک نظریه است (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶) که با گروه ده نفره‌ای از متخصصان و خبرگان دانشگاهی آگاه از نظام آموزش عالی و موضوعات اقتصادی (اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های مستقر در استان مازندران) صورت گرفت. از مصاحبه ششم به بعد تکرار در اطلاعات دریافتی مشاهده شد؛ اما برای اطمینان تا مصاحبه دهم ادامه یافت. لازم به ذکر است که انتخاب حجم نمونه در روش کیفی، در حین کار مشخص می‌شود و نمونه‌گیری آن‌قدر ادامه می‌یابد تا اشباع داده‌ها حاصل شود؛ یعنی محقق به این نتیجه می‌رسد که داده‌های جدید تکرار داده‌های قبلی است؛ گردآوری اطلاعات از خرداد ۱۳۹۵ آغاز شده است. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه عمیق بود که در این پژوهش از مصاحبه نیمه ساختاریافته و انفرادی استفاده گردید و مشارکت‌کنندگان در فرایند مصاحبه، ابتدا باهدف پژوهش آشنا و از حقوق خود، آگاه شدند و آنگاه به سؤال‌های پژوهش پاسخ دادند. محور سؤالات این پژوهش در ارتباط با راهبردهای توسعه انسانی در نظام آموزش عالی بود و باقی پرسش‌ها بر اساس پاسخ‌های مصاحبه‌شونده طرح می‌شد. مدت مصاحبه‌ها بین ۶۰ تا ۹۰ دقیقه با توجه به وقت اعضای هیئت‌علمی جهت تدوین پروتکل مصاحبه تدوین شد. تمامی مصاحبه‌ها ضبط شد و برای استخراج نقاط کلیدی چندین مرحله موردبررسی قرار گرفتند. تحلیل داده‌ها به روش تحلیل محتوا با استفاده از الگوی اسمیت بود که شامل مراحل ۱- خواندن و بازخوانی یک مورد، ۲- تشخیص و برجسب زدن تم‌ها، ۳- لیست کردن و خوشه‌بندی تم‌ها، ۴- ایجاد یک جدول خلاصه‌سازی، و در نهایت ۵- تلفیق موردها (گزارش نهایی بر اساس تم اصلی و تم جز) است. کفایت و موثق بودن روایی پژوهش یا به‌عبارت‌دیگر دقیق بودن یافته‌ها با استفاده از سیر مراحل ذیل موارد تایید واقع شد.

الف) دریافت بازخورد از پاسخ‌دهندگان: مشارکت‌کنندگان، مرحله کدگذاری محوری را بازبینی و نظر خود را در ارتباط با آن ابراز کردند؛ دیدگاه‌های آنان در مرحله کدگذاری محوری اعمال شد.

1- Olga & Belyanski

2- Qualitative

ب) استفاده از کدگذاران مستقل و گروه خبرگان: پنج تن از اساتید مدیریت به بررسی یافته‌ها و اظهار نظر درباره مرحله کدگذاری محوری پرداختند.

ج) به‌کارگیری تطابق همگونی: به‌طور هم‌زمان از دیدگاه‌های چندین مشارکت‌کنندگان در تحلیل و تفسیر داده‌ها کمک گرفته شد.

در گام بعد برای تایید راهبردهای شناسایی شده، پرسشنامه‌ای از راهبردها تهیه گردید و بین ۳۸۴ نفر از اساتید هیئت علمی سراسر کشور به‌صورت نمونه‌گیری در دسترس و الکترونیکی توزیع، گردآوری و تحلیل گردید. پایایی پرسشنامه با آزمون آلفای کرونباخ (با ضریب ۰/۹۱۴) تایید گردید و برای بررسی روایی آن از اعتبار عاملی استفاده شد که نتایج آن در بخش یافته‌ها آمده است.

یافته‌های تحقیق

بر اساس بررسی به‌عمل‌آمده مشارکت‌کنندگان این مطالعه ۱۰ نفر بودند. شرکت‌کنندگان اساتیدی با سابقه کار آموزشی و متخصص در حوزه علم اقتصاد با سابقه کار آموزشی ۱۰ تا ۲۵ سال بودند که از بین اساتید دو نفر در مرتبه استادی، ۴ نفر در رتبه دانشیاری و ۴ نفر استادیار و ۲ نفر مربی بودند. بنابراین طیف مناسبی از اساتید برای مصاحبه دعوت شدند. در تحلیل مصاحبه‌ها ۹۰ کد به دست آمد که بعد از حذف کدهای تکراری و ادغام موارد مشابه در نهایت کدهای به‌دست‌آمده در سه درون‌مایه اصلی قرار داده شدند این درون‌مایه‌ها عبارتند از راهبردهای آموزشی، راهبردهای پژوهشی و گفتمان سازی که به‌طور جداگانه با تشریح پاسخ تعدادی از مصاحبه‌شوندگان در جدول یک الی سه نشان داده شده است.

راهبردهای آموزشی تحقیق

این راهبرد دارای ۱۲ طبقه به شرح جدول یک است. در آن مشارکت‌کنندگان راهبردهای آموزشی را یکی از عوامل مؤثر در نظام آموزش عالی جهت توسعه سرمایه انسانی می‌دانستند. به‌طور مثال به اعتقاد مشارکت‌کننده شماره ۱۰ «بیشتر وقت افراد را با کنکور می‌گیریم و دانشجوی وقت فراگیری علم را ندارد و به‌جای این کار بهتر است سرفصل‌های دروس غنی شود تا افرادی که اهلش نیستند ادامه ندهند.» و همچنین مشارکت‌کننده ۷ معتقد بود که «باید سرفصل دروس مثل گذشته غنی باشد تا فقط افرادی که توانایی و استعداد تحصیل دارند بتوانند ادامه دهند و سایر افراد در همان مقاطع پایین‌تر به دنبال یادگیری یک حرفه بروند. مشارکت‌کننده ۶ عنوان کرد؛ با توجه به تغییرات شگرف در حوزه علوم مختلف، بازنگری سرفصل دروس با رهیافت کاربردی کردن و به‌روز کردن سرفصل‌ها ضروری به نظر می‌رسد. بدیهی است سرفصل‌های کنونی نیز باید در فواصل زمانی کوتاه مثلاً پنج‌ساله بازنگری دوباره شوند. در این صورت دانشجویان و استادان همواره خود را با شرایط روز رشته تخصصی مربوطه هماهنگ می‌کنند و مشارکت‌کننده ۴ عنوان کرد؛ دانشجویان تحصیلات تکمیلی ناقص‌الخلقه هستند چون تولیدکننده علم نیستیم ولی مصرف‌کننده علمی هستیم که حاصل کتاب‌های با ترجمه ناقص است و به‌عبارت‌دیگر برخی از سرفصل‌های اصلی در کتاب‌های ترجمه حذف شده است. به دلایل مختلف همان سرفصل‌های ناقص در کلاس درس توسط استاد به جزوهای ناقص تبدیل می‌شود بدین ترتیب دانشجوی در حالی فارغ‌التحصیل می‌شود که کلیه سرفصل‌ها را مطالعه نکرده است. بنابراین اگر با دانشجوی خارجی بر سر یک میز مذاکره بنشیند کم می‌آورد و مشارکت‌کننده ۲ بیان کرد؛ دانشجوی باید دروس کاربردی و نظری را در کنار هم فراگیرد دروس نظری و کاربردی حلقه‌های متصل به هم هستند که فراگیری آن‌ها به‌صورت مجزا اثربخشی ندارد ما در کشور نخبه پرور و نظریه‌پرداز هستیم ولی اگر بخواهیم در کارهای عملی حضور پیدا کنیم سیستم آموزشی این اجازه را به ما نمی‌دهد. و مشارکت‌کننده ۳ عنوان کرد؛ سیستم آموزشی که توسط دولت طراحی می‌شود باید به‌گونه‌ای طراحی شود که مردم بتوانند از منافع آن استفاده کرده و به عبارتی رفاه جامعه را تأمین کند. پژوهشگران با

بررسی این بخش از مصاحبه‌ها شاخص‌های تطبیق سرفصل‌های دروس دانشگاهی با نیازهای واقعی صنعت و جامعه، مهارت یادگیری نظری و عملی به صورت تلفیقی را استخراج کردند و از آنجایی که این شاخص‌ها ماهیت آموزشی دارند این شاخص‌ها جزء مؤلفه‌های راهبرد آموزشی لحاظ شد.

جدول (۱) راهبردهای آموزشی

۱.	تطبیق سرفصل‌های دروس دانشگاهی با نیازهای واقعی صنعت و جامعه
۲.	آموزش مبانی اعتقادی و اخلاقی مرتبط با توسعه کشور
۳.	آموزش افراد برای انجام دادن کارها به صورت گروهی و همکاری با یکدیگر
۴.	آشنایی با فن‌های مختلف مطالعه جهت مدیریت زمان
۵.	وجود انواع مواد و فناوری آموزشی و کمک آموزشی مبتنی بر رایانه و فناوری نوین
۶.	دسترسی اساتید و دانشجویان به منابع اطلاعاتی متنوع به منظور انجام تدریس و پژوهش
۷.	توانایی دانشجویان جهت مواجهه با مسائل مبهم و چالش برانگیز در محیطی باز و دوستانه
۸.	مهارت یادگیری نظری و عملی به صورت تلفیقی
۹.	آموزش مهارت ارتباط با اساتید و دانشجویان (مهارت بین فردی)
۱۰.	آموزش مهارت حضور در شبکه‌های اجتماعی
۱۱.	آموزش مهارت ارتباط با مجامع علمی انجمن‌ها و کنگره‌ها
۱۲.	آموزش مهارت تسلط بر زبان انگلیسی

راهبردهای پژوهشی تحقیق

این راهبرد دارای ۷ طبقه به شرح جدول دو است. مشارکت کنندگان راهبردهای پژوهشی را یکی از عوامل مؤثر در نظام آموزش عالی جهت توسعه سرمایه انسانی می‌دانستند به عنوان مثال مشارکت کننده ۴ معتقد بود؛ فرض کنید استادی در خارج از کشور تحصیل کرده و موضوع پژوهش او، مسائلی بوده که در آنجا مطرح می‌شد. در برخی از موارد این استاد، پس از حضور در ایران هم همان مسیر را ادامه می‌دهد و در زمینه همان موضوعات تحقیق می‌کند. هرچند شاید این استاد مقاله‌های بسیار درجه یک و سطح بالایی تولید کند اما باید توجه داشت که برخی از این مقاله‌ها، ربطی به رفع نیازهای داخلی ما ندارد. مشارکت کننده ۳ بیان کرد؛ نمی‌توان با بررسی فقط یک شاخص مانند تعداد مقاله‌های علمی به این نتیجه رسید که ما در همه زمینه‌ها رشد علمی داشتیم. به نظر من آن نوع رشد علمی برای کشور ما مفید است که سودی به حال جامعه و کشور داشته باشد و بتواند گرهی از مشکلات کشور را باز کند. مشارکت کننده ۲ بیان کرد؛ باید به سرعت تدبیری اندیشید. کاری کرد که رقابت‌پذیری بر مبنای آفرینش و تجاری‌سازی علم و فناوری نوین و ورود به جریان اصلی اقتصاد کشور باشد. مشارکت کننده ۶ بیان کرد: طرح‌های تحقیقاتی سازمان‌ها فقط به افراد دوروبری خودشان می‌رسد. گاهی برخی از دانشجویان من که در برخی سازمان‌ها مشغول هستند طرح‌هایی دارند و به من مراجعه می‌کنند و می‌گویند شما این طرح را انجام بدهید ولی ۳۰ - ۴۰ درصد مبلغ طرح را ما می‌گیریم. البته من یک چنین طرحی را هیچ‌گاه انجام نداده‌ام. مشارکت کننده ۸ بیان کرد؛ در بین دانشگاه و صنعت و همچنین دولت ارتباطات ضعیف است. مشاهده کننده ۴ عنوان کرد؛ دانشجویانی که کارهای پژوهشی و پایان‌نامه و رساله انجام می‌دهند. سریع به دنبال آن هستند که تمام کنند اگر دولت هزینه می‌کند در آن نظارت می‌کند و این کار پژوهشی یک کار کیفی می‌شد و به عبارتی ارزش هر چیزی به خاطر منابع مالی است. الماس به علت این ارزش دارد که قیمتش بالاست. پژوهشگران با بررسی این بخش از مصاحبه‌ها شاخص‌های تعیین اولویت‌های تحقیقاتی و آینده پژوهی توسط صنعت و دانشگاه، حاکمیت نگرش علمی بر باورهای فرهنگی جامعه، بهره‌گیری از نظرات و ایده‌های خبرگان توسط مناصب حکومتی، حمایت از پایان‌نامه‌های دانشجویان مرتبط با مسائل و مشکلات جامعه را استخراج کردند و از آنجایی که این شاخص‌ها ماهیت پژوهشی دارند این شاخص‌ها جزء مؤلفه‌های راهبرد آموزشی لحاظ شد.

جدول (۲) راهبردهای پژوهشی

۱	آزمون تجربه‌ها و تبدیل آن‌ها به دانش کاربردی و قابل‌دسترس
۲	تعیین اولویت‌های تحقیقاتی و آینده‌پژوهی توسط صنعت و دانشگاه
۳	انتقال ایده‌ها به محیط خارجی باهدف تقسیم کردن خطر نوآوری با دیگر دانشگاه‌ها
۴	ایجاد پارک‌های تحقیقاتی جهت انتقال دانش بین صنعت و دانشگاه
۵	تولید و انتشار مقالات مفید، بسته‌های آموزشی متناسب برای مقابله با بحران‌های اقتصادی
۶	حمایت از پایان‌نامه‌های دانشجویان مرتبط با مسائل و مشکلات جامعه
۷	استفاده مؤثر و کارا از انواع مختلف دانش در تمام فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی
۸	بهره‌گیری از نظرات و ایده‌های خبرگان توسط مناصب حکومتی
۹	حاکمیت نگرش علمی بر باورهای فرهنگی جامعه

راهبردهای گفتمان سازی تحقیق

این راهبرد دارای ۵ طبقه به شرح جدول سه است که در آن مشارکت‌کنندگان راهبردهای پژوهشی را یکی از عوامل مؤثر در نظام آموزش عالی جهت توسعه سرمایه انسانی می‌دانستند. به‌عنوان مثال مشارکت‌کننده ۵ معتقد بود؛ دانشگاه حتی در حوزه گفتمان سازی جهت حذف فرهنگ غلط رانت‌خواری خوب عمل نموده است اما در بدنه دولت گوش شنوایی وجود ندارد و جزء افرادی هستند که سیستم آموزشی را دور زده و نمره گرفته و رفته‌اند. مشارکت‌کننده ۳ بیان کرد که دانشگاه باید افکار و ارزش‌هایی را که در وحدت ملی تأثیر دارند ترویج نماید. مشارکت‌کننده ۲ عنوان کرد دانشگاه و جامعه علمی فرهنگی به‌عنوان آگاه‌ترین قشر جامعه، باید با ارزیابی و تحلیل علمی و منطقی شرایط بین‌المللی و وضعیت داخلی کشور، در طراحی و پیشنهاد مناسب‌ترین فرایند توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیشگام باشد. پژوهشگران با بررسی این بخش از مصاحبه‌ها شاخص‌های اشاعه فرهنگ ارزش‌ها و هنجارهای متناسب با توسعه سرمایه انسانی در جامعه، تولید برنامه‌های تلویزیونی در قالب‌های مستند/میزگرد، فیلم با همکاری گروه‌های آموزشی جهت تشریح مسائل اقتصادی، فرهنگی و اقتصادی جامعه را استخراج کردند. از آنجایی که این شاخص‌ها ماهیت گفتمان سازی دارند این شاخص‌ها جزء مؤلفه‌های راهبرد آموزش لحاظ شد.

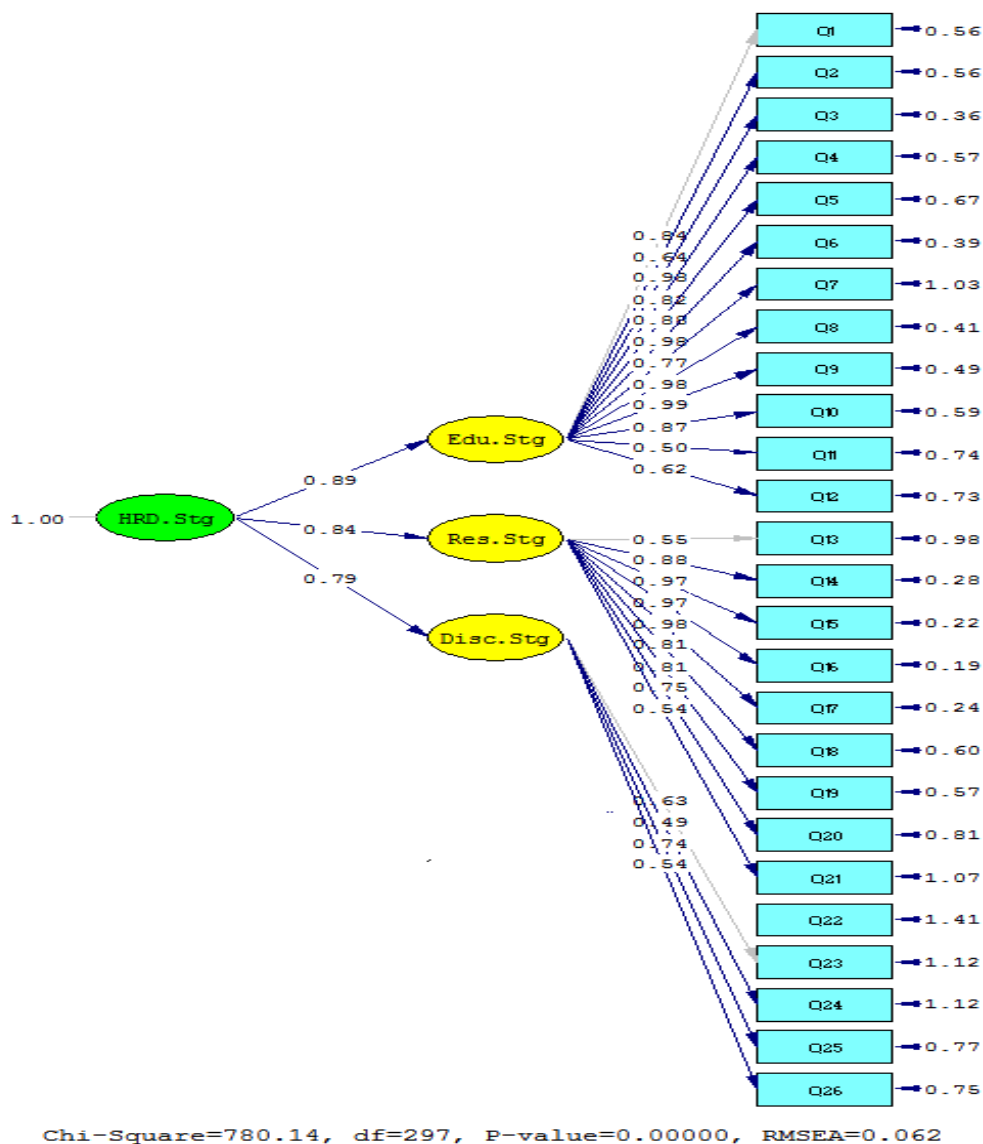
جدول (۳) راهبردهای گفتمان سازی

۱	ایجاد مراکز مشاوره و خدمات فنی در سطح منطقه‌ای و ملی
۲	اشاعه فرهنگ ارزش‌ها و هنجارهای متناسب با توسعه سرمایه انسانی در جامعه
۳	اجرای دوره‌های آموزشی، برای گروه‌ها و انجمن‌های حرفه‌ای صنایع در دانشگاه‌ها
۴	ارائه خدمات آموزشی مجازی از طریق ایجاد و توسعه آموزش‌های الکترونیکی
۵	تولید برنامه‌های تلویزیونی در قالب‌های مستند/میزگرد، فیلم با همکاری گروه‌های آموزشی

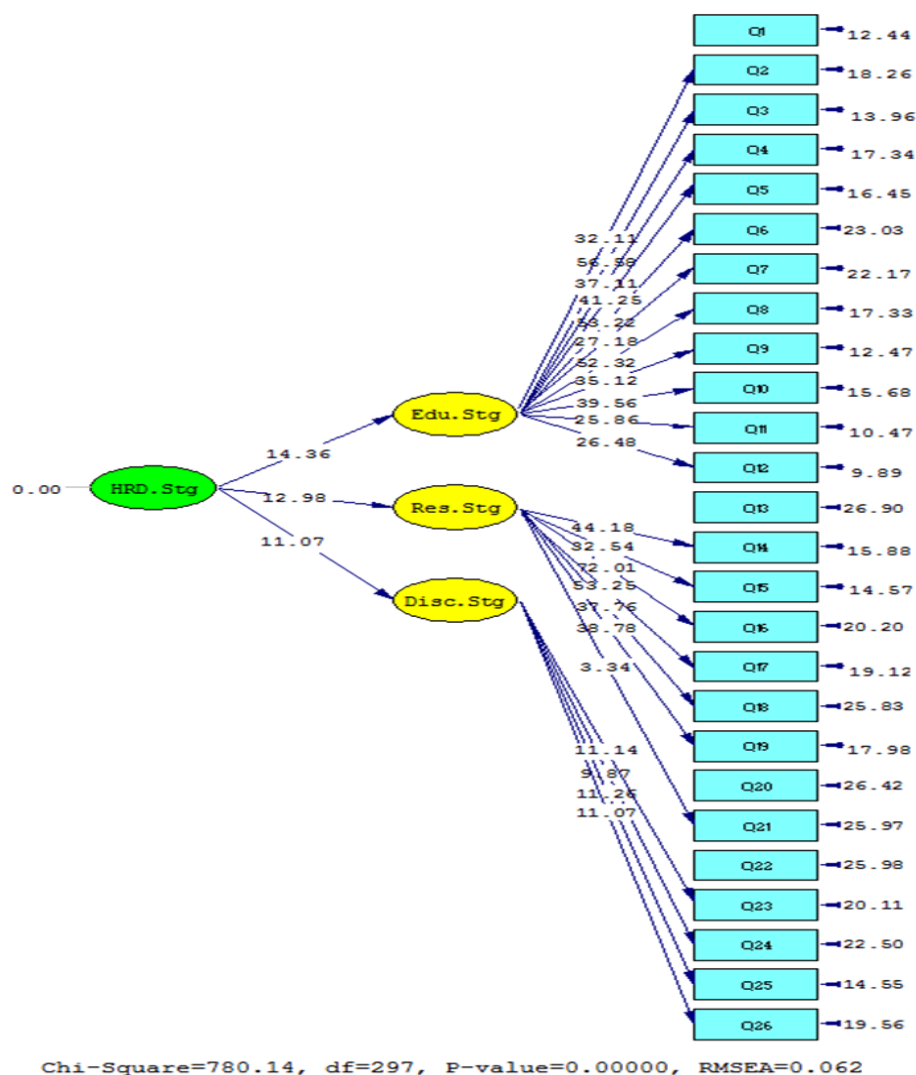
نتایج تحلیل عاملی تأییدی

شکل ۱ و ۲ تحلیل عاملی مرتبه اول و دوم الگوی راهبردهای آموزش عالی را در حالت تخمین استاندارد و معناداری اعداد نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود ضرایب استاندارد به‌دست‌آمده هم در مرتبه اول و هم در مرتبه دوم بالاتر از ۰/۳ است و بنابراین می‌توان گفت که در مرتبه دوم سه دسته راهبرد آموزشی، پژوهشی و گفتمان سازی به‌خوبی توانسته‌اند راهبردهای توسعه سرمایه انسانی در آموزش عالی را تبیین کنند. همچنین در مرتبه اول نیز ۱۲ راهبرد شناسایی شده در حوزه آموزشی، ۹ راهبرد شناسایی شده در حوزه پژوهشی و ۵ راهبرد شناسایی شده در حوزه گفتمان سازی نیز به‌خوبی توانسته‌اند تا متغیر مربوطه را تبیین کنند و می‌توان گفت که روایی همگرا بین راهبردها وجود دارد. در نمودار ۲ نیز مشاهده می‌شود که اعداد معناداری به‌دست‌آمده برای راهبردها هم در مرتبه اول و هم در مرتبه دوم بزرگ‌تر از ۱/۹۶ است و بدین ترتیب معناداری ضرایب استاندارد به‌دست‌آمده تأیید می‌گردد.

همچنین نتایج تحلیل عاملی نشان داد که در بین راهبردهای توسعه سرمایه انسانی در آموزش عالی، راهبردهای آموزشی با ضریب ۰/۸۹ بیشترین همبستگی را با متغیر مربوطه دارد و بعد از آن راهبردهای پژوهشی با ضریب ۰/۸۴ و راهبردهای گفتمان سازی با ضریب ۰/۷۹ قرار دارند.



شکل (۱) تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم الگوی راهبردهای توسعه سرمایه انسانی در آموزش عالی در حالت تخمین استاندارد



شکل (۲) تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم الگوی راهبردهای توسعه سرمایه انسانی در آموزش عالی در حالت اعداد معناداری

در این پژوهش به منظور بررسی پذیرش راهبردهای شناسایی شده در بخش کیفی در یک جامعه وسیع تر، از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده گردید که نتایج آن در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول (۴) نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای

نتیجه	آماره تی	سطح معناداری	میانگین	راهبردها
تایید	۲۸/۱۲۴	۰/۰۰۰	۳/۸۵۰	تطبيق سرفصل‌های دروس دانشگاهی با نیازهای واقعی صنعت و جامعه
تایید	۳۴/۰۶۸	۰/۰۰۰	۴/۲۵۰	آموزش مبانی اعتقادی و اخلاقی مرتبط با توسعه کشور
تایید	۲۶/۴۱۱	۰/۰۰۰	۳/۷۹۶	آموزش افراد برای انجام دادن کارها به صورت گروهی و همکاری با یکدیگر
تایید	۱۹/۹۵۲	۰/۰۰۰	۳/۴۵۵	آشنایی با فن‌های مختلف مطالعه جهت مدیریت زمان
تایید	۲۳/۱۴۷	۰/۰۰۰	۳/۶۳۵	وجود انواع مواد و فناوری آموزشی و کمک آموزشی مبتنی بر رایانه و فناوری نوین
تایید	۲۵/۶۰۱	۰/۰۰۰	۳/۷۴۲	دسترسی اساتید و دانشجویان به منابع اطلاعاتی متنوع به منظور انجام تدریس و پژوهش
تایید	۲۲/۷۳۵	۰/۰۰۰	۳/۵۹۰	توانایی دانشجویان جهت مواجهه با مسائل مبهم و چالش برانگیز در محیطی باز
تایید	۲۷/۸۵۰	۰/۰۰۰	۳/۸۲۲	مهارت یادگیری نظری و عملی به صورت تلفیقی

تایید	۲۱/۰۳۳	۰/۰۰۰	۳/۴۸۶	آموزش مهارت (بین فردی) ارتباط با اساتید و دانشجویان
تایید	۹/۴۷۷	۰/۰۰۰	۳/۱۲۴	آموزش مهارت حضور در شبکه‌های اجتماعی
تایید	۲۷/۱۰۷	۰/۰۰۰	۳/۸۱۲	آموزش مهارت ارتباط با مجامع علمی انجمن‌ها و کنگره‌ها
تایید	۳۳/۵۲۵	۰/۰۰۰	۴/۰۱۵	آموزش مهارت تسلط بر زبان انگلیسی
تایید	۲۴/۸۸۸	۰/۰۰۰	۳/۷۱۴	راهنمای آموزشی
تایید	۲۳/۸۹۶	۰/۰۰۰	۳/۶۲۲	آزمون تجربه‌ها و تبدیل آن‌ها به دانش کاربردی و قابل‌دسترس
تایید	۲۴/۰۲۲	۰/۰۰۰	۳/۶۸۵	تعیین اولویت‌های تحقیقاتی و آینده‌پژوهی توسط صنعت و دانشگاه
تایید	۱۵/۱۴۴	۰/۰۰۰	۳/۳۱۰	انتقال ایده‌ها به محیط خارجی باهدف تقسیم کردن خطر نوآوری با دیگر دانشگاه‌ها
تایید	۲۵/۴۶۸	۰/۰۰۰	۳/۷۴۸	ایجاد پارک‌های تحقیقاتی جهت انتقال دانش بین صنعت و دانشگاه
تایید	۲۱/۷۸۹	۰/۰۰۰	۳/۴۷۷	تولید و انتشار مقالات مفید، بسته‌های آموزشی
تایید	۲۵/۴۵۹	۰/۰۰۰	۳/۷۴۵	حمایت از پایان‌نامه‌های دانشجویان مرتبط با مسائل و مشکلات جامعه
تایید	۲۳/۹۱۱	۰/۰۰۰	۳/۶۳۳	استفاده مؤثر و کارا از انواع مختلف دانش در تمام فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی
تایید	۲۸/۱۲۵	۰/۰۰۰	۳/۸۹۰	بهره‌گیری از ایده‌های خیرگان توسط مناصب حکومتی
تایید	۲۹/۴۰۲	۰/۰۰۰	۳/۹۲۰	حاکمیت نگرش علمی بر باورهای فرهنگی جامعه
تایید	۲۴/۲۵۰	۰/۰۰۰	۳/۶۷۰	راهنمای پژوهشی
تایید	۲۰/۲۱۶	۰/۰۰۰	۳/۴۲۶	ایجاد مراکز مشاوره و خدمات فنی در سطح منطقه‌ای و ملی
تایید	۱۶/۶۳۳	۰/۰۰۰	۳/۳۵۲	اشاعه فرهنگ ارزش‌ها و هنجارهای متناسب با توسعه سرمایه انسانی در جامعه
تایید	۲۲/۳۱۸	۰/۰۰۰	۳/۵۷۸	اجرای دوره‌های آموزشی، برای گروه‌ها و انجمن‌های حرفه‌ای صنایع در دانشگاه‌ها
تایید	۲۱/۹۷۲	۰/۰۰۰	۳/۵۱۰	ارائه خدمات آموزشی مجازی از طریق ایجاد و توسعه آموزش‌های الکترونیکی
تایید	۲۵/۱۵۸	۰/۰۰۰	۳/۷۳۶	تولید برنامه‌های تلویزیونی برای تشریح مسائل اقتصادی، فرهنگی و اقتصادی جامعه
تایید	۲۲/۱۰۵	۰/۰۰۰	۳/۵۲۲	راهنمای گفتمان‌سازی

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این مطالعه، تبیین راهبردهای توسعه سرمایه انسانی در نظام آموزش عالی جهت توسعه سرمایه انسانی بود که با استفاده از راهبرد تحلیل محتوا تدوین شده است، همان‌گونه که در ادبیات تحقیق اشاره شد، نظریات متعددی در حوزه توسعه سرمایه انسانی بیان شده است که بعد راهبردهای آموزشی با نتایج تحقیق باقری‌نژاد (۱۳۹۳)، نیلی (۱۳۹۳)، پزند و همکاران (۱۳۹۱)، انتظاریان و همکاران (۱۳۹۰)، آقاجانی و همکاران (۱۳۸۹)، حسینقلی پور و همکاران (۱۳۸۹)، الماسی و همکاران (۱۳۸۸)، خورشیدی (۱۳۸۳)، ماریانا (۲۰۱۵)، دامسیوونس (۲۰۱۴)، ادريس (۲۰۱۲) و اولگا و بلیانسکی (۲۰۰۸) همخوانی داشت. بعد راهبردهای پژوهشی با نتایج تحقیق نیلی (۱۳۹۳)، غلامی (۱۳۹۱)، خورشیدی (۱۳۸۳)، ماریانا (۲۰۱۵)، دامسیوونس (۲۰۱۴)، ادريس (۲۰۱۲) و اولگا و بلیانسکی (۲۰۰۸) همخوانی داشت. همچنین بعد گفتمان‌سازی با نتایج تحقیق اسدی (۱۳۹۴)، فلاحتی و همکاران (۱۳۹۴)، علی بیگی و همکاران (۱۳۹۱)، غلامرضایی و همکاران (۱۳۸۸)، شریف‌زاده و همکاران (۱۳۸۶)، خورشیدی (۱۳۸۳)، ماری‌اند (۲۰۱۵)، دامسیوونس (۲۰۱۴) و اولگا و بلیانسکی (۲۰۰۸) همخوانی داشت.

بنابراین می‌توان ادعان نمود که توسعه سرمایه انسانی به‌عنوان محصول نظام آموزش عالی یکی از مهم‌ترین عوامل جهت توسعه سرمایه انسانی است که نظام آموزش عالی می‌تواند با استفاده از راهبرد آموزشی نسبت به ایجاد مهارت و تخصص در افراد و بهبود قو تشخیص آن‌ها، و با استفاده از راهبرد پژوهشی نسبت به افزایش محقق و کارآفرین، حل مسائل مختلف جامعه و تولید محصولات و خدمات کاربردی و با راهبرد گفتمان‌سازی زمینه انتقال دانش تولیدشده به ادبیات جامعه را فراهم نموده و موجبات ایجاد نوآوری، به‌کارگیری بهینه منابع مادی و مالی و رشد سریع‌تر جامعه را امکان‌پذیر سازد.

در این پژوهش راهبردهای ذکرشده با اتکاء روش پژوهش پدیدارشناسی تفسیری اسمیت از طریق مصاحبه تحت عنوان راهبردهای توسعه سرمایه انسانی در نظام آموزش عالی جهت توسعه سرمایه انسانی شناسایی شدند. همچنین ذکر این

نکته ضروری است که هرچند برخی از عوامل و عناصر احصاء شده از مصاحبه‌ها با عوامل و مؤلفه‌های حاصل از ادبیات پژوهش مشابه بودند، اما بسیاری از شاخص‌های به‌دست‌آمده در ادبیات پژوهش مورد تأکید قرار نگرفتند، که علت را می‌توان با توجه به ایدئولوژی‌ها، موقعیت‌های سیاسی، مکانی و دورنمای فلسفی، تاریخی، جغرافیایی، شرایط خاص و متفاوت نظام آموزش عالی کشورمان توجیه کرد.

تردید نیست که سرمایه انسانی به‌عنوان محصول نظام آموزش عالی نقش حائز اهمیتی در تمام مراحل فرآیند توسعه سرمایه انسانی دارد. برای آنکه بتوان به این امر مهم دست‌یافت پیشنهادها ذیل ارائه می‌گردد.

- دانشگاه‌ها دانشجویان را از لحاظ طرز تفکر انتقادی چنان مجهز نمایند که بتوانند در برابر انواع مختلف ابهام و چالش‌های محیطی تاب‌آوری داشته و توانایی تحمل شداید و حل مسائل پیچیده جامعه را داشته باشند.

- سرفصل‌های دروس در دانشگاه‌ها مرتبط با انواع دانش روز ارائه شود و هرچند سال متناسب با تغییرات جامعه موردبازنگری قرار گیرد و انواع مختلف مهارت‌های ارتباطی بین فردی و فرهنگ حضور در شبکه‌های اجتماعی را به دانشجویان انتقال دهد.

- دانشگاه‌ها باید با تولید فیلم‌نامه، مستند و اجرای سخنرانی و برگزاری دفاتر مشاوره امکان انتقال دانش تولیدشده در دانشگاه را به جامعه فراهم نمایند.

- سازمان‌ها باید جهت رفع مسائل داخلی خود بدون سیاسی‌کاری از نظرات و ایده‌های خبرگان دانشگاهی بهره‌برداری کنند و دانشگاه‌ها نیز باید ترتیبی اتخاذ نمایند تا تحقیقات دانشگاهی به سمت‌وسوی نیازهای جامعه سوق پیدا کند. علی‌رغم ارتباط نزدیک و مؤثر نظام آموزش عالی در خصوص کیفیت توسعه سرمایه انسانی تحقیقات کمتری در داخل کشور در این خصوص انجام شده است. بنابراین لازم است تحقیقات مشابهی توسط محققین در آینده به‌منظور کارآمد سازی نظام آموزش عالی جهت توسعه سرمایه انسانی صورت پذیرد و همچنین با استفاده از یافته‌های تحقیق حاضر نسبت به ارزیابی وضعیت موجود راهبردهای نظام آموزش عالی اقدام نمایند.

منابع

- آقاجانی، حسنعلی و صمدی میارکلائی، حمزه. (۱۳۸۹). انتظارات متقابل دانشگاه و صنعت. اولین کنفرانس بین المللی مدیریت نوآوری و کارآفرین، شیراز، ایران.
- الماسی، مجتبی؛ سهیلی، کیومرث و سپه‌بان قره بابا، اصغر. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر به کارگیری دانش آموختگان آموزش عالی بر رشد اقتصادی. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال نهم، شماره چهارم، ۲۳-۴۰.
- انتظاریان، ناهید و طهماسبی، طاهره. (۱۳۹۰). بررسی میزان هماهنگی و انطباق نظام آموزش عالی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازارکار، ماهنامه کار و جامعه، ۱۴۰، از صفحه ۵۹-۷۱.
- باقری نژاد جعفر. (۱۳۹۳). سیستم نوآوری ملی و جایگاه و نقش جدید دانشگاه‌ها در اقتصاد مبتنی بر نوآوری. نشریه صنعت و دانشگاه، ۵-۱۶.
- برقندان، ابوالقاسم؛ برقندان، کامران؛ ستوده نیا کرانی، سلمان؛ پازند، مجید. (۱۳۸۹). اثر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در ایران. مدل‌سازی اقتصادی، ۴(۱۲)، از صفحه ۳۹-۵۶.
- بشارت، احسان؛ ارسلان بد، محمدرضا. (۱۳۹۳). اثرپذیری رشد اقتصادی ایران از شاخص‌های اقتصاد مقاومتی: دیدگاه راهبردهای توسعه کشورهای ژاپن و کره جنوبی، فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، از صفحه ۷۷-۹۸.
- پزند، کورش؛ پوراندخت، نیرومند؛ فرجی ارمکی، اکبر؛ علیزاده، ابوالفضل؛ احدیه، نرگس. (۱۳۹۱). ارائه چارچوب پیشنهادی جهت مهارت‌آموزی و توانمندسازی دانشجویان با رویکرد شایستگی محوری. اولین کنفرانس بین المللی توسعه صادرات و فناوری اطلاعات، تهران، از صفحه ۱-۱۲.
- تقوی، مهدی؛ محمدی، حسین. (۱۳۸۵). تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی. پژوهش نامه اقتصادی، ۶(۳)، از صفحه ۱۵-۴۳.
- حسن زاده، علی؛ کیانوند، مهران. (۱۳۸۸). بحران مالی، بازار جهانی نفت و استراتژی اوپک. تازه‌های اقتصاد، ۱۲۶، از صفحه ۸۴-۹۱.

- حسینقلی پور، حکیمه؛ قلی پور، آریین، قاضی محله، مهدی، روشندل اربطانی، طاهر. (۱۳۸۹). الزامات، ضرورت‌ها و مکانیزم‌های تجاری‌سازی دانش در دانشکده‌های مدیریت، مدیریت بازرگانی، ۲(۶)، از صفحه ۴۱-۶۰
- خورشیدی غلامحسین، (۱۳۸۳). درآمدی بر اقتصاد آموزش عالی. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
- دانایی فرد حسن، امامی سید مجتبی، (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده بنیاد. اندیشه مدیریت، صص ۶۹-۹۷.
- رئیس دانا فریبرز، (۱۳۸۴). علل و انگیزه‌های اقتصادی - اجتماعی بروز بحران‌ها و تهدیدهای اجتماعی در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، صص ۲۲۱-۲۴۹
- سیف، اله مراد. (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر نقشه راه پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ج.ا.ایران. فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی ۱۶(۶۱)، صفحه ۸۹.
- شجری پرستو، (۱۳۹۳). از رکود تا بهبود اقتصادی. تازه‌های اقتصاد، دوره جدید، سال هفتم، شماره ۱۲۶، صص ۷۳-۸۳.
- شریف‌زاده فتاح، (۱۳۹۰). ضرورت بازشناسی نظام آموزش عالی و نقش آن در توسعه علمی و اجتماعی کشور: پژوهشی درباره دوره کارشناسی رشته مدیریت دولتی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور. جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره اول، صص ۷۹-۱۱۲.
- شیرزادی رضا، (۱۳۸۳). نقد و بررسی کتاب: توسعه به‌مثابه آزادی. آمارتیا سن، ترجمه وحید محمودی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره نهم، صص ۲۶۹-۲۷۶.
- عابدی جعفری حسن، تسلیمی محمد سعید، فقیهی ابوالحسن، شیخ‌زاده محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، شماره دوم، شماره پیاپی ۱۰، صص ۱۵۱-۱۹۸.
- عزتی مرتضی، احمدی علی، انوری قاسم، اصغری هرندی محمدرضا، (۱۳۹۴). تأثیر اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در مقابله با تحریم‌های اقتصادی. فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال سیزدهم، شماره ۶۱، صص ۵-۳۰.
- غلامی (۱۳۹۱). دانشگاه‌ها چگونه در اقتصاد مقاومتی ایفای نقش می‌کنند، روزنامه ایران، شماره ۵۲۰۲.
- معموری، علی (۱۳۸۱). قرآن و پایان تاریخ. موعود، ۳۶.
- میرعمادی، طاهره، (۱۳۹۰). چارچوبی برای ارزیابی راهبردهای مقابله با تحریم از منظر نظام ملی نوآوری. فصلنامه علمی و پژوهشی سیاست علم و فناوری، سال سوم، شماره ۴.
- نجاتی گیلانی سید صدرالدین، (۱۳۹۱). متدولوژی جدید طراحی و پیاده‌سازی استراتژی برای گذر مؤثر از بحران اقتصادی. نهمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت استراتژیک، تهران: انجمن مدیریت استراتژیک ایران.
- نیلی مسعود، (۱۳۹۳). گزارش جمع‌بندی کنفرانس اقتصادی. موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، از صفحه ۱-۳۵.
- واعظی سید کمال، فدایی محمد، (۱۳۹۴). معرفی الگوی اقتصاد مقاومتی به‌عنوان مدل بومی توسعه پایدار. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات دفاعی استراتژیک، سال سیزدهم، شماره ۶۱، از صفحه ۳۱-۵۰.
- Dumciuviene, D. (2015). The Impact Of Education Policy To Country Economic Development,, Procedia - Social and Behavioral Sciences, 191: 2427 – 2436
- Idris, F. & Hassana, Z. & Ya'acoba , A. & Gillb, S & Mohd Awal, N. (2012). The Role of education in shaping youth's national identity. Procedia - Social and Behavioral Sciences, 59: 443 – 450
- Kaytaz, Mehmet, Misra C. Gul, (2014). Consumer response to economic crisis and lessons for marketers: The Turkish experience, Journal of Business Research, 67: 2701-2706
- Mariana, Dragoescu Raluca. (2015) . Education As A Determinant Of The Economic Growth. The Case Of Romania, Procedia - Social and Behavioral Sciences, 197 :404 – 412
- Olga S. & Belyansky, V. (2008). Facilitating innovations in higher education in transition economies, International Journal of Educational Management, 22(4):341 – 351,
- Richard, P. & Elaine, H. (2009). Theories of development contentions, arguments, alternatives, the guilford press, second edition.